

رایان کراکر،
سفیر امریکا در
افغانستان:
«بزرگترین پروژه
ما متأسفانه و
البته سهواً، ممکن
است توسعه فساد
جمعی بوده باشد!
این نقطه نهایی
شکست تلاش‌های
ماست

رای غیرقانونی (یعنی یک چهارم کل آرای مأخوذه) را دریافت کرده بود. اما داستان از کجا شروع شد؟

کرزی از ابتدا تحت حمایت امریکا بود. در اکتبر سال ۲۰۰۱ دفتر نمایندگی جاسوسی سیا او را تشویق کرد تا رهبری قیام علیه طالبان را برعهده بگیرد. در آن زمان، امریکا داشت طالبان را در جنوب افغانستان بمباران می‌کرد. سیا برای نجات او، در یک درگیری، هلی کوپتر اعزام کرده بود و در مجموع او گزینه اول امریکا بود. گزینه‌ای که با اجماعی در داخل و خارج افغانستان مواجه بود و دشمنان قدیمی امریکا، یعنی ایران و روسیه را هم بر سر او به توافق رساند. او پس از انتخاب، به میزان زیادی به امریکایی‌ها وابسته شد.

کرزی مسئولیت یک کشور ویران شده را قبول کرده بود. کشوری که نه نیروی امنیتی داشت، نه نظام اداری و نه منابع مالی و به همین خاطر، برای اتخاذ تصمیمات سخت نیاز به راهنمایی داشت. وقتی کراکر به عنوان اولین سرپرست سفارت امریکا انتخاب شد، کرزی هر روز او را به صرف صبحانه دعوت می‌کرد و کراکر که می‌دانست او به راهنمایی نیاز دارد، دعوتش را اجابت می‌کرد و آنها ساعت‌ها با هم گپ می‌زدند.

بعد از انتخابات ۲۰۰۴ افغانستان که ۸ میلیون نفر در آن شرکت کردند و کرزی از میان ۱۷ کاندیدا انتخاب شد، دولت بوش خیلی خوشحال بود. در روز تحلیف، دیک چنی، معاون بوش و رامسفلد، وزیر دفاع در مراسم تحلیف او شرکت کردند و او را تحسین کردند و کرزی با حماسه سرایی، از آنها تقدیر کرد. دولت بوش، زلمی خلیل زاد به عنوان سفیر انتخاب کرد. او مثل کرزی پشتون بود و همچنین سابقه یک دهه آشنایی با او را داشت. کرزی هر شب او را به شام دعوت می‌کرد و تا پاسی از شب با هم گپ می‌زدند. ولی این وضعیت خیلی دوام نداشت و در سال ۲۰۰۵ بوش تصمیم گرفت او را به عنوان سفیر عراق انتخاب کند. کرزی شخصاً تقاضا کرد تا امریکا در این کار تجدید نظر کند ولی فایده نداشت. کرزی احساس کرد رها شده است. دولت بوش می‌خواست وضعیت سفیر خود را عادی‌سازی کند تا هر روز مجبور نباشد با کرزی ناهار بخورد.

سفیر بعدی، نویمان وقتی وارد افغانستان شد، از کرزی خواست مقامات فاسد از جمله برادرش را برکنار کند. همچنین در ژانویه ۲۰۰۶، مجله نیوزویک، برادرزاده کرزی را به تجارت مواد مخدر متهم کرد. کرزی برآشفت و نویمان و سفیر بریتانیا را دعوت کرد و از آنها مدرک محکمه‌پسند خواست، ولی آنها گفتند: «این فقط شایعات و ادعاهای متعدد است و ما مدرکی نداریم.» معاون سفیر به واشنگتن نامه زد ولی امریکایی‌ها عقب‌نشینی نکردند و گفتند کرزی خودش گندی را که بالا آورده جمع کند. این ابتدای اختلافات کرزی و امریکا بود.

با تشدید جنگ با طالبان، حملات اشتباه امریکا و کشتار غیرنظامیان تشدید شد و این کار، با چاشنی توجیه و عدم قبول مسئولیت همراه بود. این سلسله اتفاقات، با کشتار ده‌ها زن و کودک در یک مراسم عروسی در روستایی در ننگرهار در ۶ ژوئیه ۲۰۰۸ آغاز شد. ابتدا امریکا تکذیب کرد، اما کرزی به گروهی دستور داد و طی بررسی‌ها متوجه شدند که واقعاً یک جشن عروسی هدف قرار گرفته و ۴۷ نفر کشته شده‌اند. امریکا اندکی عقب‌نشینی کرد و ضمن عذرخواهی، قول بررسی داد. بررسی‌هایی که هیچ‌گاه نتایجش منتشر نشد. اتفاق بعدی یک ماه بعد رقم خورد. امریکایی‌ها در یک عملیات اشتباهی نابودی روستای عزیزآباد در نزدیکی هرات را به صورت کامل ویران کردند. شاهدان گزارش دادند بین